

## مهندسی هنری

# یک بخش از مهندسی فرهنگ است

استفاده می‌کند منظور؛ بازسازی معبد و یا معماری مقدسی است که عالم را احیاء و نظم عالم را به دنبال دارد. بلخاری تصریح کرد: افلاطون یک جمله کلیدی دارد که می‌گوید فلسفه آشنایی ما با نظم عالم این است که به رفتار خودمان نظم ببخشیم. در سطح جامعه، به همین دلیل مفهوم مهندسی، مفهوم نظم بخشیدن است و این به ویژه در معماری مقدس جایگاه شایسته و بایسته‌ای دارد.

بلخاری در ادامه به ضرورت نظریه پردازی در عرصه تدوین فلسفه هنر اسلامی، معماری اسلامی و چگونگی تدوین و پیدایش فلسفه هنر اسلامی پرداخت.

دبیر شورای هنر گفت: ما امروزه در فلسفه هنر اسلامی و فلسفه معماری هنر اسلامی بحران داریم. به این علت که از سوی نظریه‌پردازان؛ بعضاً داخلی و اغلب خارجی و حتی از سوی اساتید دانشگاه‌ها ماهیت وجود هنر اسلامی مورد مناقشه است.

وی ادامه داد: برخی می‌گویند به دلایل سلطه فقهی در ۱۴۰۰ سال گذشته، فاقد هنر بودن اعراب و فقدان راز در زندگی و حیات پیامبر ص برخلاف عیسی ع و بودا، هنر اسلامی وجود ندارد و مورد مناقشه است و حتی عده‌ای می‌گویند این هنر جنبه‌های کلامی دارد. مثل آراء خانم نجیب اوغلو که آثار منقول سامرائی را به آراء معتزله و اشاعره ربط می‌دهد. و برخی سنت گرایان مثل کرین و بُرکهارت هستند که آراء آنان از

مطلق، رحیمزاده، حسن بلخاری، اسلامی و مهرداد احمدیان برگزار گردید مباحث مختلفی در مورد مهندسی فرهنگی هنر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این میزگرد حسن بلخاری دبیر شورای هنر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: ما در فلسفه هنر بحث مهمی که داریم بحث فلسفه معماری است. مهندسی در فلسفه معماری، جایگاه بسیار شایسته‌ای دارد و در فلسفه هنر از یک جایگاه تئوریک ویژه‌ای برخوردار است. نکته‌ای که وجود دارد ارتباطی است که در زبان انگلیسی بین هندسه، زمین و فلسفه معماری وجود دارد.

وی گفت: هنگامی که به کالبد شکافی و یا تبارشناسی این واژه به ویژه در قلمرو اندیشه‌های شرقی می‌پردازیم به فعل خاص مصریان در هندسه می‌رسیم. هنگامی که رود نیل طغیان می‌کرد و تمامی تقسیم بندیهای منظم اطراف رود را به هم می‌ریخت و به ذهنیت مصریان یک بار دیگر کابوس بر عالم حکم فرما می‌شد کار مهندسان بعد از فرو نشستن طغیان، احیای نظم دوباره عالم بود و مهندس کسی بود که به اطراف رود نیل نظم می‌بخشید. این معنا وارد فلسفه یونان شد. در رساله تیمائوس افلاطون، وی هنگامی که به ذکر قصه آفرینش می‌پردازد و ریورژانه را خالق بلکه صانع عالم می‌داند و از اصطلاح "خدا مهندس است"

مهندسی فرهنگ به عنوان یکی از قسمتهای مهم فرهنگ باید شامل همه ابعاد فرهنگی باشد. مهندسی هنری یک بخش از مهندسی فرهنگ محسوب می‌شود. همان طور که مهندسی زبان، ادبیات، آموزش و غیره بخشی از مهندسی فرهنگی می‌شوند می‌توان گفت مهندسی فرهنگی، مهندسی مهندسی‌ها است. و یک ابرمندی را تشکیل می‌دهد که متن‌های گوناگون در دل آن جای می‌گیرند. شرایط فرهنگ و به ویژه هنر و بررسی آن بسیار مهم است. از این جهت که ما نمونه و مدل خارجی برای این کار نداریم. به بیان دیگر نیاز به مهندسی هنر احساس می‌شود. به جهت اینکه ما یک استثناهای هنری و یک استثنای فرهنگی را بیان می‌کنیم که معادل آن نه بوده و نه در جاهای دیگر سراغ داریم. به همین جهت لازم بود به این موضوع با توجه به عرصه‌های گسترده‌ای که روز به روز هنر تصرف می‌کند در مهندسی فرهنگی بیشتر پرداخت. یعنی به طور کلی چون جامعه بشری از آن دوره سخت افزاری وارد دوره نرم افزاری می‌شود روز به روز اهمیت و جایگاه هنر بیشتر مشهود می‌شود. در همین رابطه در حاشیه برگزاری همایش ملی مهندسی فرهنگی در مرکز همایشهای بین المللی صدا و سیما دو میزگرد برگزار شد. در میزگرد سالن نخست که به عنوان مهندسی فرهنگی هنر با حضور آقایان عبدالمجید کیانی، بهمن نامور



سوی خانم نجیب اوغلو مورد نقد و نفی جدی واقع شده است. لذا ما در قلمرو دفاع از هویت هنر اسلامی در یک عرصه‌ای قرار داریم که اگر جمهوری اسلامی و نظام فرهنگی ایران یک مهندسی دقیق در تدوین فلسفه هنر اسلامی و تئوری پردازی نداشته باشد قطعاً دچار مشکل می‌شویم.

وی گفت: شما به تاریخ گذشته ما بنگرید، تاریخ ایران در هنر تفوق کلامی دارد تا تصویری. در این رابطه ما درک، سیاق، اندازه و شأن مولانا و حافظ را داریم. این را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ چگونه می‌توان از آن تئوری ساخت؟ من امیدوارم در این نظام مهندسی ما بتوانیم فلسفه هنر اسلامی را تدوین کنیم. ولی قطعاً همایشهایی مثل این و کارهایی که فرهنگستان هنر انجام می‌دهد می‌تواند سنگ بنای خوبی باشد.

بلخاری در پایان گفت: در حال حاضر در عرصه هنر ایرانی و اسلامی: فرهنگستان هنر به یکسری نقاط بسیار روشن رسیده، ما همایش عظیم مکتب اصفهان را داشتیم و سعی کردیم ۱۵۰ سال تاریخ ایران را غبارزدایی کنیم. اکنون در قلمرو برداشتن آغازین گامها در مهندسی هنر کشور هستیم و این نوع گام اول و واجب، بازخوانی گذشته است.

عبدالمجید کیانی در این نشست گفت: بدیهی است موسیقی نیز مانند همه هنرها از یک ساختار بهره‌مند است. باید فکر و برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم در آینده به شناخت موسیقی فرهنگمان و ارتباط آن با هنرهای دیگر به شکل مطلوب دست یابیم. پیداست که صدمه به هنر به دیگر زمینه‌ها هم صدمه وارد می‌کند. نگرانی من به عنوان کسی که سالها در موسیقی کار کرده این است که اگر به موسیقی توجه نکنیم هنرهای دیگر ما هم صدمه می‌خورد. چرا که در فرهنگهای کهن مثل فرهنگ ایران از لحاظ تفکر جوهر نظام هستی را؛ صوت می‌دانند و این صوت در همه هنرها حرف اول را می‌زند.

بنابراین گاهی اگر از موسیقی صحبت می‌کنیم فقط چند صدا نیست که با هم می‌شونیم بلکه آسمان و هر ستاره، گویی دارای نمه‌ای است و فواصلی که بین ستاره‌ها است، گویی فواصل موسیقایی است و اتفاقاً فرهنگهای کهن مثل ما ایرانیان معتقد است که موسیقی از همین‌ها گرفته شده است. پس به علت ذوقی که ما ایرانیان داشته و داریم همه هنرها، زبان و ادبیات و بسیاری از کارهای ما جنبه موسیقایی دارد. ولی چون این کلمه را از فرهنگمان به علل‌های زیادی حذف کرده‌ایم نام موسیقی را برای آن به کار نمی‌بریم. وقتی به موسیقی مذهبی مان نگاه می‌کنیم یکی از زیباترین موسیقی‌ها است. ولی چون کلمه موسیقی را برداشته‌ایم دیگر در رابطه با موسیقی تحقیق نمی‌کنیم وقتی ما دعاهايمان را اجرا می‌کنیم یا در دستگاه شورااست یا در آواز دشتی و افشاری و یا در دستگاه نوا و یا چهارگاه است. این است که باید در این زمینه دقت بیشتری را به عمل بیآوریم و این مهندسی را سروسامان بدهیم تا بتوانیم در آینده یک موسیقی فاخر و ادیبانه‌ای را که داشته‌ایم دوباره در فرهنگمان رواج بدهیم.

کیانی افزود: متأسفانه امروز ما یک نوع موسیقی را در رسانه‌هایمان به کار می‌بریم که یک موسیقی سطحی است و به عنوان هنر موسیقی نمی‌تواند شناخته شود. پس باید در مورد آن فکر و برنامه‌ریزی کنیم تا بتوانیم در آینده از یک موسیقی که در شأن ما ایرانیان است برخوردار گردیم.

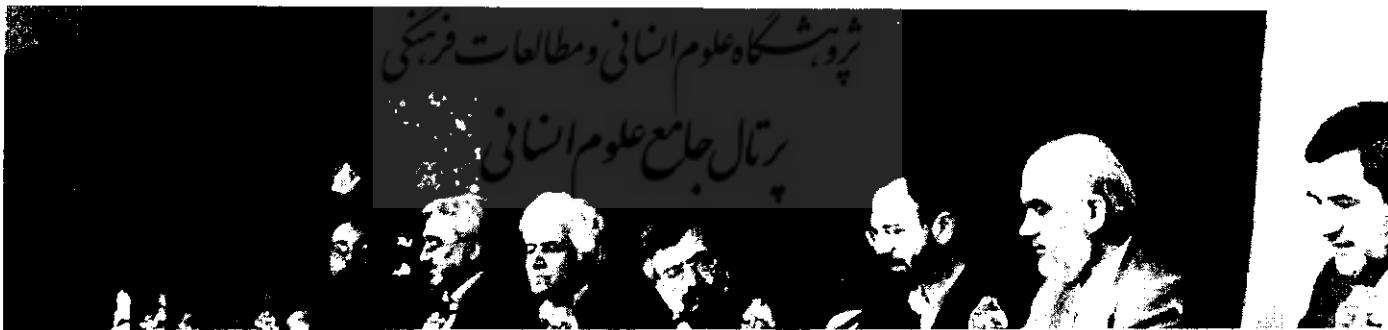
اسلامی از دیگر سخنرانان این نشست گفت: از مهندسی تعابیر مختلفی در اذهان است و برای فرهنگ هم تعابیر مختلف است. تا کنون بیشتر به فرهنگ پرداخته‌ایم.

وی به مهندسی منعطف اشاره کرد و گفت: مهندسی می‌تواند شامل مهندسی سخت و مهندسی نرم باشد یعنی مهندسی نظم دارد. این نظم باید بسیار از گانیک

باشد. وقتی به خود سیستم‌ها که مهندسی از آن بیرون می‌آید توجه کنیم دارای خصوصیاتی است که ما را برای تعریف مهندسی راهنمایی می‌کند. مهندسی دارای یک ساختاری است که ورودی و خروجی معین در داخل آن شکل می‌گیرد و برای مقصود و منظوری آن را طراحی و از قبل پیش بینی می‌کنیم.

وی افزود: بلدینگ وقتی سیستمها را طبقه بندی می‌کند از سیستم‌هایی که دارای ساختار استاتیک هستند شروع می‌کند و بعد به سلول، گیاه، اجتماع و سیستم‌های مجرد می‌رسد. سیستم‌ها هر چه از پایین به بالا می‌رود مسئولیت انرژی بیشتری دارند و هر چه از بالا به پایین می‌آیند بر مسئولیت اطلاعاتی آنها افزوده می‌شود هر چه از پایین به بالا می‌رویم تشکیلات آنها از ساده به پیچیده تبدیل می‌شود. او می‌گوید سلولها هدفمند هستند. یعنی برنامه‌هایی به صورت غریزی در آنها است و می‌توانند با محیط سازگار شوند. گیاهان چند برنامه دارند. حیوانات از میان چند برنامه‌ای که دارند می‌توانند انتخاب کنند یعنی قدرت انتخاب برنامه در محیط را دارند. ولی انسان کسی است که می‌تواند برنامه‌هایش را تجدید کند یعنی ضمن اینکه برنامه‌های متعدد دارد می‌تواند برنامه‌هایش را تغییر دهد. و همین جا است که خلاقیت طرح، و هنر مطرح می‌شود. انسان می‌تواند اجتماع را بسازد و فرهنگ را به وجود آورد، حیوان فقط گروه درست می‌کند.

وی ادامه داد: متأسفانه در طراحی‌هایی که ما اخیراً در اطرافمان دیده‌ایم اکثر مهندسين؛ متولی امور کسانی بودند که به پایین‌ترین رده و سیستم‌های مهندسی تسلط داشتند. در صورتی که در تعریف سیستمها، سیستمهای منعطف و ارگانیک بسیار فعال و پویا هم وجود دارد. اینها را در بحثی به نام علم سازماندهی بحث می‌کنند و رابطه‌های علی را مورد استفاده قرار می‌دهند انسان دارای قدرت خلاقیت و هنر است. هنر یعنی برنامه‌ها را تغییر دادن و حقیقت را به واقعیت پیوند دادن.



# نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی

۲۱ - ۲۰ دیماه ۱۳۸۵

وی تصریح کرد: کار هنر معنا دادن به زمان است. یعنی زمان در سایه هنر مفهوم پیدا می‌کند. و گذشته و آینده بهم پیوند می‌خورند. هنر فرهنگ را مسلسل و به هم پیوسته می‌کند. فرهنگ پویا است؛ پوشش این فرهنگ تنها از راه خلاقیت و تغییر برنامه‌ها اتفاق می‌افتد. سیستم یا سامانه به معنای ارتباطاتی که در یک زمان قابل فهم است در زمان حرکت می‌کند و ساختار را باعث می‌شود.

اسلامی در پایان گفت: پوشش در هیچ فرهنگی نخواهد بود مگر اینکه بازخورد چیزهایی که اتفاق افتاده به اصل نظریه‌ها برگردد و احاد مردم نسبت به پدیده‌های اطرافشان بتوانند اظهار نظر کنند تا اینکه فرهنگ به معنای چیزی که زمان را معنا می‌کند و حقایق را به واقعیت‌ها تبدیل می‌کند اتفاق افتد. فرهنگ ما بخاطر عدم درک صحیح مهندسی فرهنگی؛ دچار عارضه‌های متعدد شده است.

رحیم زاده رییس پژوهشکده نصر نیز در این نشست گفت: امام علی<sup>ع</sup> در ابتدای خلافت و هجوم مردم برای بیعت با ایشان، تعبیری دارند با این مضمون که من را رها کنید و به غیر از من توسل کنید برای اینکه ما با اموراتی مواجه خواهیم شد که عقل شما از تأیید آن عاجز و قلوب شما به آن رضایت نخواهد داد؛ یعنی به زمینه‌سختی وارد خواهد شد.

وی افزود: در دنیا، رشته دانشگاهی "مدیریت پروژه‌های با ریسک بالا" را داریم که ما در حال راه‌اندازی آن هستیم. پروژه فرهنگی پروژه‌ای با ریسک بالا است. عرصه پرخطری است حتی اگر عرصه شناخته شده‌ای باشد. عرصه فرهنگ، عرصه سختی است. ورود دولت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به این عرصه توأم با ریسک و خطرپذیری‌های بالا است و همیشه این خوف وجود دارد که بین نهانده، ستاده، مقدمات و نتایج رابطه قابل قبولی وجود نداشته باشد.

وی تصریح کرد: تمام ابعاد این سمینار، بحث‌ها و مقدمات آن نشان می‌دهد که ما در حال مهندسی فرهنگی هستیم. مهندسی ساختمان اصولی برای خودش دارد ولی مهندسی فرهنگی در حال پیدایش و تولد است و در واقع ما داریم در مورد ایجاد نظامی به نام نظام مهندسی فرهنگی کشور صحبت می‌کنیم اصول شناخته شده قابل قبول و مورد اجماع در خصوص مهندسی فرهنگی وجود ندارد. ما داریم این مفهوم را تولید می‌کنیم. ابعاد آن را می‌شکافیم و در مورد امکان و ضرورت آن بحث می‌کنیم. سختی کار از اینجا ناشی می‌شود که اگر معنای متعارف فرهنگ را در نظر بگیریم، می‌توانیم بررسی کنیم که چه چیزی فرهنگ نیست. به این معنا همه چیز فرهنگ است حتی وقتی ما مفهوم بی فرهنگ و بی‌ادب را در مورد کسی به کار می‌بریم، منظورمان این است که او یک فرهنگی دارد که ما ارزش منفی به فرهنگ او می‌دهیم. یعنی بی‌فرهنگی، خودش یک نوع فرهنگ است. ما در نظام ارزشی خودمان به یک رفتار، ارزش مثبت و به رفتاری دیگر، ارزش منفی می‌دهیم یعنی همه از جنس ارزش‌ها هستند. ما معتقدیم اگر ارزش‌های مثبت را از دین مان برداریم این امر ممکن

است میزان خطرپذیری را زیاد کند چرا که ما وارد عرصه‌ای می‌شویم که انگار می‌خواهیم همه چیز را به این معنا مدیریت و مهندسی کنیم. با این مقدمه می‌توانیم تفکیکی بین مهندسی و مدیریت و ارتباط آنها با هنر و فرهنگ در نظر بگیریم.

رحیم زاده ادامه داد: در مهندسی اراده گرایانه نمی‌شود رفتار کرد؛ شاخصها و معیارهای قابل قبولی وجود دارند؛ مهندسی یک امر پسینی است. یعنی یک چیزی در ابتدا وجود دارد و بعد ما می‌خواهیم آن را مهندسی کنیم، نظم دهیم و بر آن نظارت کنیم. این بحث برخلاف علوم پایه مطرح می‌شود. ما مهندسی را مبتنی بر علم می‌دانیم ولی علم مبتنی بر مبانی خودش است. ما در مهندسی می‌توانیم چیزی را بخواهیم و سفارش کنیم ولی در علوم و مبانی علمی، سفارش دادن به دلایل روشن شناختی غیرممکن است. در مدیریت ما به رفت و برگشت کار نظارت می‌کنیم؛ کنترل و ارزیابی می‌کنیم و فرآیند ورود و خروج را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به یک معنا مهندسی سخت است و باید به اصولش فکر کرد. عرصه هنر در اصول اصلی‌اش مبتنی بر کشف و شهود است. خلاقیت، نوآوری، دستورنایذیری از مقدمات ذاتی هنر و کشف و ابداع علمی است؛ برای مثال مابه کسی نمی‌توانیم دستوردهیم که عاشق شود بلکه این امر باید اتفاق بیفتد.

وی در پایان گفت: می‌توان فراتری از مفهوم مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی ارائه داد که در اعتقادات دینی ما هم وجود دارد و خیلی ساده است ولی این را باید شناسایی کرد. پنج وعده نماز خواندن، خمس، زکات، آداب خاص رفتاری، گفتگوهای کلامی و فضیلت‌های اخلاقی؛ اصولی هستند که به رفتار ما نظم می‌دهند و یک نوع مهندسی رفتاری ایجاد می‌کنند یعنی در سایه مقوله‌ای به نام نماز و احکام دینی، یک نوع مهندسی رفتار ایجاد می‌کنیم. با مفهوم نیت و خلوص دینی که در نماز وجود دارد به سراغ ذهن می‌رویم. از این زاویه ما مبانی و مقدمات موجود سنت دینی را برای مهندسی فرهنگی در اختیار داریم.

مهرداد احمدیان نیز در این همایش صحبت خود را با این پرسش که "مفهوم مهندسی در زمینه فرهنگ و هنر، چه می‌تواند باشد؟" آغاز کرد و گفت: لفظ مهندسی فرهنگی و مهندسی در حوزه هنر مترادف با معنای طراحی است. تمام مؤلفه‌ها و شروطی که متضمن مفهوم طراحی در هنر می‌شود و در حوزه‌های مختلف طراحی مدخلیت پیدا می‌کند، به نحوی بر مفهوم مهندسی تأثیر دارد. اگر بخواهیم شباهتی بین مهندسی در بخش صنایع یا مهندسی علمی و مهندسی در بخش فرهنگ و یا هنر پیدا کنیم؛ لاجرم باید به بخش کنترل، هدایت و تنظیم شرایط کمتر توجه کرد و بیشتر به بخش توسعه خلاقیت، توسعه و تثبیت زمینه‌های رشد و طراحی اهمیت داد. در رشد محصولات هنری، کالاها و خدمات هنری شاخه‌ای از علم به نام هنرشناسی در علوم انسانی به وجود آمده که شرایط و مختصات پژوهش‌های علمی را در زمینه هنر بررسی می‌کند.

اولین مرحله در زمینه مهندسی هنری طراحی و بعد از آن تعیین حوزه‌های سیاستگذاری از قبیل سیاستگذاری‌های استراتژیک بلندمدت و یا میان مدت است بعد از آن محیط است که شامل می‌گردد بر جامعه، ملت، دولت، فرهنگ،

تمنن و محیط جهانی است فرآیند پردازش اطلاعات، هنرمندان، اعتبارات مالی، نهادها و سازمان‌های هنری، منابع هنری، منابع انسانی در هنر و منابع قابل لمس و غیرقابل لمس از جمله مالکیت معنوی خروجی برنامه‌ریزی هنری می‌تواند شامل خدمات هنری و آثار هنری باشد. تنوع بخشی به سلیقه‌ها و رشد امکانات سخت افزاری، برنامه‌ریزی‌های توسعه در زمینه خروجی کالای هنری و یا خدمات هنری؛ حوزه‌های حقوقی، تفکیک حوزه‌های عملیاتی، برنامه‌ریزی برای رشد خدمات هنری، بررسی عملکرد و ارزشیابی سیستم‌های آموزشی در زمینه هنر و نظام‌های ارزشی از قبیل نظام‌های تربیتی و فرهنگ‌ساز، همگی مؤلفه‌هایی هستند که در ذیل مفهوم توسعه و توسعه فرهنگی و هنری مطرح می‌شوند.

احمدیان افزود: در این رابطه محیط جهانی و یا حضور هنر و طراحی هنری در متن جهانی که شامل بحث تعاملات و برخوردها و بحث محیط شناسی می‌گردد بسیار مهم و موثر است. بخش تکنولوژی هم قابل ملاحظه است. امروزه سیاستگذاری‌ها در مورد زمینه هنری در بخش تکنولوژی کمتر به سمت قانونگذاری پیش می‌رود. بحث نهادها، سازمانها، سازمانها و نهادهای دولتی و بخش خصوصی که نهادهای دولتی را به سمت کوچک شدن پیش می‌برند. یکی از مشخصه‌های عمده در این خصوص تولید انبوه است؛ آیا تولید انبوه در سیاست‌گذاری‌های توسعه هنری مطرح است یا خیر؟ آیا اثر هنری منفرد و یا منحصر به فرد و دارای مشخصه‌های اصلی است. ارزشهای زیبایی‌شناسانه دارد یا غایب تکثیر و بازتولید است متدها و یا سیستم‌های مدیریتی در مهندسی هنر متاثر از دو سیستم متمرکزگرا و سیستم‌های غیرمتمرکز گرا می‌باشد.

بهمن نامور مطلق دبیر فرهنگستان هنر؛ دیگر سخنران این میزگرد یادآور شد: حوزه هنر در فرهنگ؛ حوزه بسیار گسترده و متنوعی است که شاخصه‌های مختلف و مسائل خاص خودش را دارد. حوزه هنر و مهندسی هنر با حوزه بقیه علوم و فنون متفاوت است. در هیچ حوزه‌ای نیست که هنجارشکنی یک هنجار باشد. اما در هنر اینطور است. هنر همواره باید خودش را بشکند تا از نو متولد شود. این ویژگی خاص هنر است. مهندسی هنر یک مهندسی خاص خودش است و نیاز به طراحی خاص خودش را دارد. در عالمی که پیش رو داریم ما دوباره داریم به مفاهیم عمیقی مثل هنر باز می‌گردیم به مفهوم اصلی، هنر و زندگی چنان با هم توأم می‌شوند که هیچ جدایی بین نحوه زندگی و خود هنر وجود ندارد. وی افزود: دوران مدرنیته به سر رسیده و دوره‌ی که ما به سر می‌بریم دورهای است که هنر جایگاه اصلی خودش را پیدا می‌کند توجه به هنر برای مهندسی هنر بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

حسن بنیانیان رییس حوزه هنری به عنوان آخرین سخنران میزگرد نیز متذکر شد: بخش مهمی از مشکلات این است که عرصه حوزه، دانشگاه و اجرا بطور جزیره‌ای در عالم خودشان زندگی می‌کنند. مسئله‌ای در حوزه اجرا تعریف نمی‌شود و تقاضایی از حوزه و دانشگاه برای حل معضلاتمان نداریم و تا این تقاضا ایجاد نشود و مدیران اجرایی از حوزه و دانشگاه تقاضا نکنند اتفاقی نمی‌افتد. ما باید در دنیای واقعیتهای؛ از مفاهیم برداشت مشترک پیدا کنیم.

